



میانجیگری کیفری آموزه‌ای از عدالت ترمیمی از منظر حقوق و اخلاق

- عزت اله نوریزاد^۱، دکتر ابوالحسن مجتهد سلیمانی^۲، دکتر راحله سید مرتضی حسینی^۳
۱. گروه حقوق جزا، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران
۲. گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران
۳. گروه حقوق بین الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران
(تاریخ دریافت: ۹۷/۱۲/۱۹، تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۲/۱۱)

چکیده

زمینه: ایجاد زمینه صلح و سازش از طریق توسل به داوری، از شیوه‌های معمول آیین رسیدگی به دعاوی بوده است که ریشه در اخلاق دارد در سیستم دادرسی کیفری، مقام‌های قضایی و پلیسی، مرجع بررسی، تحقیق و رسیدگی می‌باشند و این امر در صلاحیت اختصاصی حاکمیت و نمایندگان آن‌ها بوده و شخص دیگری صلاحیت دخالت در آن را ندارد. در مقابل، در دادرسی ترمیمی، چون نگاه به بزه متفاوت بوده افراد یا شواراهایی تحت عنوان میانجیگر در فرایند تصمیم‌گیری دخالت نموده و تحت نظارت مقام کیفری اتخاذ تصمیم می‌نمایند. با این حال نظام کیفری با نظم عمومی و حاکمیت دولت رابطه نزدیک دارد و نمی‌توان سرنوشت آن را به جامعه مدنی و اخلاقیات واگذار کرد قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با الهام از آموزه‌های جرم‌شناسی واکنش اجتماعی و سیاست جنایی سازمان ملل، میانجیگری کیفری را با هدف قضا‌دایی و حل و فصل توافقی اختلافات ناشی از جرم در ماده ۸۲ پیش‌بینی کرده است و آیین‌نامه اجرایی آن نیز در سال ۱۳۹۴ توسط رییس قوه قضاییه به تصویب رسیده این آیین‌نامه در مهرماه ۱۳۹۵ توسط هیات وزیران مورد اصلاح و تصویب واقع شده و لازم‌الاجرا است.

نتیجه‌گیری: این آیین‌نامه آغاز ورود میانجیگری کیفری بصورت رسمی در قوانین ایران بود هر چند که از دیرباز در قوانین عرفی ایران چه از نظر مذهبی و چه از نظر اخلاقی در همه جرایم فرهنگ میانجیگری به شکل‌های مختلف وجود دارد سیستم عدالت کیفری در جهت تحقق نظام عدالت ترمیمی به تدریج به سمت میانجیگری پیش رفته‌است.

کلید واژگان: میانجیگری، عدالت کیفری، اخلاق، حل اختلاف

سرآغاز

قوانین و مقررات جزایی هر جامعه وسیله‌ای برای حفظ و حمایت از حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی است. همچنین معیاری است برای شناخت ارزش‌های حاکم و وشناخت اخلاقیات در آن جامعه و طرز تلقی اکثر مردم نسبت به ماهیت و شرایط اعمال مجرمانه‌ای که ارتکاب آنها از نظر نظام کیفری ممنوع و مستحق مجازات است در تحولات حقوق کیفری، سه رویکرد نسبت به سهام داران پدیده‌ی مجرمانه مشاهده می‌شود. رویکرد سزادهنده بدون توجه به شخصیت بزهکار، درصدد سرکوب و سزادهی وی است که عدالت کیفری جرم مدار نامیده می‌شود. در رویکرد دوم، این اندیشه شکل گرفت که واکنش جامعه باید تابع شخصیت مجرم و انگیزه و اوضاع و احوال ناظر به او باشد.

بدین ترتیب بر عدالت کیفری^۱، نگرشی بالینی و کلینیکی حاکم شد. این رویکرد به عدالت بازپرورانه نیز شهرت یافت. به دو رویکرد فوق، عدالت کیفری کلاسیک^۲ اطلاق می‌شود. مهم‌ترین هدف این نظام، بازدارندگی، بازپروری و اصلاح مجرم است. ناتوانی این رویکرد جهت پاسخگو نمودن بزهکار به طریق معنی‌دار و ناتوانی آن از ارائه‌ی پاسخ مناسب به نیازهای بزه‌دیده، از جمله انتقادات وارد بر این نظام است. از این رو دیدگاه‌ها نسبت به این روش تغییر پیدا کرد و رویکرد جدیدی تحت عنوان عدالت ترمیمی^۳ به وجود آمد. برنامه‌های عدالت ترمیمی از جمله میانجیگری، با امکان احاله بخشی از پرونده‌ها به سیستم‌های غیر قضایی و جایگزین، علاوه بر این که بار دستگاه عدالت کیفری را سبک‌تر و جریان اجرای عدالت

دکتر ابوالحسن مجتهد سلیمانی و همکاران: میانجیگری کیفری آموزه‌ای از عدالت ترمیمی از منظر حقوق و اخلاق

را تسهیل می‌کنند، هزینه اجرای عدالت را نیز تقلیل داده و مدل عدالت کیفری را کارآمدتر و موثرتر می‌نماید. میانجیگری یک روش حل اختلاف است که در آن یک شخص بی طرف، به طرفین دعوی کمک می‌کند تا به یک توافق برسند. در واقع این طرفین دعوی هستند که در مورد حل و فصل اختلافات تصمیم می‌گیرند و میانجیگر تصمیم گیرنده نیست. در حقوق ایران تا قبل از تصویب قانون آیین دادرسی جدید می‌توانست ماده ۱۹۵ از قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ را اساس و مجرای مناسبی برای نهادینه نمودن میانجیگری کیفری در جرایم قابل گذشت تلقی کرد. این ماده به قضات دادگاه ها توصیه میکرد که در مواردی که امکان برقراری صلح وجود دارد کوشش و جهد لازم را در زمینه ی اصلاح ذات البین انجام دهند. در واقع رویکرد ترمیمی در پی آن است که بزه دیده و بزهکار را به مثابه دو انسان صاحب کرامت پنداشته ترس و دلهره را از بزه دیده برطرف سازد تا از بزه دیدگی ثانویه وی پیشگیری کند.

فرآیند میانجی‌گری^۴

میانجیگری بزه دیده^۵ و بزهکار^۶ فرآیندی است که به موجب آن یک میانجی بین بزه دیده و بزهکار وساطت می‌کند. میانجی فضایی^۷ را به وجود می‌آورد تا بزه دیده و بزهکار به نحو برابر بتوانند حد بزنند. میانجی فردی بی طرف بوده و در مقام قضاوت نیست، بلکه نقش وی حل اختلاف است. حضور بزهکار و بزه دیده در این فرآیند لازم است و بدون حضور آنها امکان میانجیگری وجود ندارد. میانجیگری فرآیندی است که به بزه دیده فرصت می‌دهد با بزهکار ملاقات کند و در فضایی امن و آرام و با حصول به آرامی و بهبودی و پاسخگو نمودن مستقیم بزهکار جبران زیان های خود را تقاضا نماید (۱). مفهوم میانجیگری کیفری معنای لغوی عبارت میانجیگری، وساطت است و معنای میانجیگری کردن؛ میانجی شدن، وساطت کردن، دلالتی کردن، توره؛ دختری که میانجیگری کند میان عشاق وساطت بین دو طرف است و معنای میانجیگری نمودن؛ وساطت نمودن، واسطه واقع شدن و رجوع به میانجی است (۲). میانجیگری عبارت است از، مداخله یک طرف موجه و بی طرف و فاقد تصمیم گیری آمرانه در یک اختلاف یا مذاکره به منظور کمک به طرف های میانجیگری فرآیندی سه طرفه یا سه جانبه است، که فارغ از اختلاف در رسیدن به توافق بر سر مسائل مورد اختلاف بصورت اختیاری (۳). تشریفات معمول در فرآیند کیفری بر اساس توافق قبلی شاکی و متهم با حضور شخص ثالثی به نام میانجیگر یا میانجی به منظور حل و فصل اختلافات و مسائل روش میانجیگری، نمونه ای از انحراف فرآیند کیفری برای حل و فصل اختلاف های ناشی از جرم مختلف ناشی از ارتکاب جرم آغاز می شود (۴) که ممکن است در هر مرحله ای، اعم از لحظه ای که جرم اتفاق می افتد تا قبل از اینکه متهم در محضر دادگاه حاضر شود اعمال شود. میانجیگری روشی است که در آن شخص ثالث به عنوان

شخص میانجی از طریق برگزاری جلسات و گفتگو بین طرفین و بحث در خصوص موضوعات مورد اختلاف راه حل و فصل اختلافات را تسهیل می‌کند. اضافه بر این میانجیگر بدون اینکه همانند قاضی یا داور تصمیم اتخاذ و آن را به طرفین تحمیل کند آنان را به حل اختلافات تشویق کرده و با روشن ساختن زوایای تاریک موضوع، تبیین منافع واقعی طرفین، شناسایی و محدود کردن موضوعات اختلافی، کشف گزینه های محتمل برای حصول توافق^۸، به طرفین در برقراری ارتباط موثر با یکدیگر کمک می‌کند (۵).

میانجی‌گری کیفری^۹ فرآیندی سه جانبه است که فارغ از تشریفات معمول در فرایند کیفری، براساس توافق قبلی شاکی و بزه‌دیده با متهم یا بزه‌کار، با حضور شخص ثالثی به نام میانجی‌گر یا میانجی به منظور حل و فصل اختلاف‌ها و مسایل مختلف ناشی از ارتکاب جرم آغاز می‌شود. میانجی‌گر که عضوی از جامعه مدنی^{۱۰} است، در فرایند میانجی‌گری سعی می‌کند بزه‌کار و بزه‌دیده را در ارتباط با هم قرار دهد و زمینه دیدار، گفت‌وگو و مذاکره و طرح مطالبات و خواسته‌های متقابل آن‌ها را فراهم کند؛ دیدگاه‌ها و مشکلات آن‌ها را به زبان دیگری برای آن‌ها بازگو و شفاف نماید. و بدین‌سان به آن‌ها کمک کند تا مکنونات قلبی خود را بیان کرده و تسلی روحی پیدا کنند؛ خسارات مادی و عاطفی و روانی بزه‌دیده ترمیم شود؛ تکالیف و تعهدات بزه‌کار نسبت به بزه‌دیده، جامعه و خود در آینده مشخص شود و میزان مسئولیت‌های طرفین در وقوع جرم تعیین شود. بنابراین در فرایند میانجی‌گری کیفری، بزه‌دیده و بزه‌کار طی جلسات متعدد، با دیدار و گفت‌وگوی مستقیم یا در صورت لزوم غیرمستقیم، به یک راه حل مرضی الطرفینی در مورد اختلاف کیفری خود دست می‌یابند؛ بدون این‌که میانجی نظر یا رأی خود را به آن‌ها تحمیل کند (۶). فرآیند میانجیگری و صلح و سازش از شیوه های جایگزین حل اختلاف به شمار می‌آید. این شیوه ها مجموعه ای از مکانیسم ها و راه حل های غیر قضایی و غیر دولتی به صورت دوستانه، خصوصی و محرمانه هستند که طرفین اختلاف آنها را به جای دادگاه به عنوان به اعتقاد بسیاری از طرفداران، مرجع حل اختلاف خود بر می‌گزینند تا اختلافات خود را بدون مراجعه به دستگاه قضایی حل و فصل نمایند (۷).

در روش میانجیگری، فضایی ایجاد میشود که بزه‌دیده و بزهکار بتوانند به صورت رو در رو، بدون هر گونه فشار و اعمال نظر دستگاه کیفری با یکدیگر گفت‌وگو نمایند. بزهکار از چگونگی وقوع جرم و دلایل و انگیزه های خود از ارتکاب آن، و بزه‌دیده از خسارت وارده ناشی از بزه‌دیدی و نیازها و خواسته های خود سخن گفته و روند سازش و حل و فصل اختلافات را پیگیری نمایند. در این بین شخص ثالثی که بیطرف و فاقد منافع در ماجرا است (میانجیگر) جریان گفت‌وگو را هدایت و مدیریت میکند. تشریفات غیر قابل انعطاف قضایی در این شیوه رعایت نمی‌شود و طرفین دعوا هستند که با کمک شخص ثالث، چگونگی حل و فصل اختلاف را معین می‌سازند و دعوی نیز با هزینه کمتر و سرعت بیشتری در دادگاه ها مورد رسیدگی قرار می‌



اصطلاحاتی از قبیل شفاعت و وساطت که دارای معانی مشابه به میانجیگری است، مورد تاکید قرار گرفته است.

ویژگی اخلاقی میانجیگری کیفری

میانجی گری یکی از پرکاربردترین شیوه های جایگزین حل و فصل اختلافات است که مهمترین ویژگی اش بالا بودن ضریب محرمانگی است. در واقع محرمانگی قلب تپنده میانجی گری است. چرا که میانجیگری زمانی موفقیت آمیز است که طرف های اختلاف بتوانند آزادانه و به راحتی خواسته ها، نیاز ها و توقعاتشان را با یکدیگر در میان گذاشته و به کمک میانجی، راه و حلی برای حل و فصل اختلافاتشان پیدا کنند. چنانچه طرف های اختلاف واهمه از آن داشته باشند که ممکن است از آنچه در فرآیند میانجیگری اظهار می کنند بر علیه آن ها در شیوه های تقابلی 29 حل و فصل اختلاف مانند داوری و محاکم دادگستری استفاده شود، احتمال دارد.

از افشای اطلاعات لازم در جهت تسهیل فرآیند میانجیگری و حل و فصل اختلاف خودداری کنند(۱۱) اگر فرآیند میانجیگری محرمانه نبوده و میانجی تعهد نداشته باشد که اطلاعاتی را که در طول میانجیگری به دست می آورد، حفظ کند و حتی بتواند با استفاده از آن اطلاعات بر علیه طرف یا طرف های اختلاف در فرآیندهایی نظیر دادگاه یا داوری شهادت داده یا مدرکی ارائه دهد، بی طرفی اش زایل می شود (۱۲). همچنین میانجی گری کیفری فرآیندی است سه جانبه، که فارغ از تشریفات معمول در فرآیند کیفری بر اساس توافق قبلی شاکی و متهم با حضور شخص ثالثی به نام میانجی گر یا میانجی، به منظور حل و فصل اختلافات و مسائل مختلف ناشی از ارتکاب جرم آغاز می شود. میانجی گر که عضوی از جامعه مدنی است، در فرآیند میانجیگری سعی می کند بزهکار و بزه دیده را در ارتباط هم قرار دهد و زمینه دیدار، گفتگو و مذاکره و طرح مطالبات و خواسته های متقابل آن ها را فراهم کند. دیدگاه ها و مشکلات آن ها را به زبان دیگری برای آن ها بازگو و شفاف نماید و بدین سان به آن ها کمک می کند تا مکنونات قلبی خود را بیان کرده و تسلی روحی پیدا کنند، همچنین خسارات مادی و معنوی بزه دیده ترمیم شود، و تکالیف و تعهدات بزهکار نسبت به بزه دیده، جامعه و خود در آینده مشخص شود و میزان مسئولیت های طرفیندر وقوع جرم تعیین شود. بنابراین در فرآیند میانجی گری کیفری، بزه دیده و بزهکار طی جلسات متعدد با دیدار و گفتگوی مستقیم یا در صورت لزوم غیرمستقیم، به یک راه حل مرضی الطرفین در مورد اختلاف کیفری خود دست می یابند. بدون اینکه میانجی نظر یا رای خود را به آنها تحمیل کند (۱۳). در واقع عدم اعمال و تحمیل نظر توسط میانجی آن است که شخص میانجی فرد بی طرفی است که تمام سعی خود را معطوف به حل اختلاف^{۱۴} می نماید و در پایان تصمیم گیری را واگذار به اصحاب دعوا می نماید. چرا که طرفهای اختلاف به این دلیل نمی توانند به تنهایی اختلافاتشان را حل و فصل کنند که بی طرف نیستند و به همین دلیل

گیرند. بررسیها حاکی از آن است که این روش در نقاطی که زندگی قبیلهای دارند، وجود داشته و دارد. امروزه با شهری شدن جوامع و روند جهانی شدن، استقلال از میانجیگری کمتر به چشم میخورد و تعمیم این فرآیند به نهادهای رسمی ودقت نظر در سنتها و آیینهای تاریخی اقوام مختلف، کاشف، غیررسمی میتواند گام مهمی در راستای پیشبرد اهداف عدالت ترمیمی تلقی شود (۸). نهایتاً این فرآیند باید با تقابل بزه کار و جامعه محلی و اخذ تضمین های لازم از بزه کار در جهت جلوگیری از وقوع جرم، جامعه محلی را از ترس ارتکاب مجدد بزه توسط مرتکب رهایی داده و آرامش را به پیکره اجتماع بازگرداند.

الف- تاریخچه میانجیگری

برنامه های میانجی گری که از نیمه دهه هفتاد قرن بیستم نظام عدالت کیفری را تحت تأثیر قرار داده است، نخستین بار در سال ۱۹۷۷ با ابتکار یکی از ماموران تعلیق مراقبتی در کشور کانادا جلوه گر شد و سپس به شهرهای دیگر کانادا و آمریکا منتقل شد. مأمور تعلیق مراقبتی پیش گفته، در یکی از شهرهای ایالت آنتاریو به قاضی پیشنهاد کرد که دو جوان که به اتهام تخریب محکوم شده بودند با بزه دیدگان روبه رو شوند و پس از موافقت قاضی، صدور حکم تعلیق مراقبتی موکول به خسارت زدایی^{۱۱} و جلب رضایت خاطر بزه دیده شد. پس از این تجربه، میانجی گری مورد حمایت مالی دولت و حمایت معنوی کلیسا قرار گرفت و در اواخر دهه هفتاد، از کانادا به آمریکا و سپس به اروپا منتقل شد. میانجی گری که ریشه در اندیشه قضاودایی^{۱۲} از رهگذر احاله اختلاف های ناشی از پدیده مجرمانه به میانجی گری و قبول نوعی کدخدا منشی در حل و فصل منازعات دارد، اهمیت و منزلت و نقشی غیرقابل انکار را در ترسیم سیاست عدالت کیفری مشارکتی ایفا کرده است (۹). رگه هایی از این تفکر را می توان در میان اقوام مختلف مشاهده کرد به طوری که از باب نمونه، در تاریخ یعقوبی می خوانیم: «عرب را داورانی بود که در کارهای خویش به آنان رجوع می کرد و در محاکمات و مواریث و آبها و خون های خویش آنان را داور می شناخت. عرب [پیش از اسلام] را دینی نبود که به احکام آن رجوع کند، پس اهل شرف و راستی و امانت و سروری و سال خوردگی و بزرگواری و آزمودگی را حکم قرار می دادند» (۱۰).

ریشه اخلاقی^{۱۳} و مذهبی میانجیگری

با بررسی مبانی اعتقادی و اخلاقی و عرفی کشورمان، تقارن و همانندی ویژه های بین آموزه های دینی و آداب و رسوم کهن ایرانی و مبانی نهاد میانجیگری دیده میشود. مشروعیت میانجیگری و صلح و سازش مورد تایید فقه اسلام و اکثریت فقها بوده و آیات و روایات زیادی به حل منازعات از این طریق تاکید نموده است و همواره مورد پذیرش همه ادیان و همه اخلاقیات در کلیه کشور ها بوده است. با توجه به اینکه در اسلام و همچنین اخلاقیات ایران بر میانجیگری و صلح و سازش تاکید فراوان شده است، این فرآیند با قواعد شرعی و عرفی ایران مطابقت دارد. به گونه ای که در توصیه های دینی،

به میانجیگری روی آورده و از شخص ثالث بی طرفی برای حل و فصل کمک می‌گیرند که در قضیه هیچگونه منفعت شخصی، مادی و روانی نداشته و از لحاظ عاطفی و روحی نیز در قضیه درگیر نبوده و بی طرف باشد.

مراحل میانجیگری

این مرحله شامل دو بخش است؛ ابتدا میانجی با بزهکار و سپس با بزه دیده تماس گرفته و در خصوص آمادگی یا عدم آمادگی جهت ورود به برنامه میانجی‌گری تحقیق می‌کند. آمبرایت تاکید می‌کند که بهتر است ارتباط اولیه میانجی با بزهکار و بزه دیده صرفاً از طریق مکالمه تلفنی و بدون ارائه اطلاعات کامل صورت پذیرد. زیرا معمولاً بزهکاران و بزه دیدگان پس از اخذ اطلاعات کامل، تمایل به شرکت در برنامه پیدا نمی‌کنند. در این تماس میانجی هدف از میانجی‌گری و شرایط آن را توضیح داده و با موافقت طرفین زمانی را برای ملاقات طرفین تعیین می‌کند. در زمان تعیین شده میانجی به ملاقات بزهکار و بزه دیده می‌رود یا از آنها جهت حضور دعوت به عمل می‌آورد. وی پس از شنیدن سخنان و تجربیات طرفین در خصوص ارتکاب و تحمل بزه، نسبت به جمع‌آوری اطلاعات و توضیح مسایل مربوط به میانجی‌گیری و حقوق طرفین و گزینه‌های پیش روی آنها تصمیم‌گیری نموده و در صورت صلاحدید برنامه‌ای برای نشست مشترک طرفین و حامیان آن‌ها تنظیم می‌کند باید به این نکته توجه داشته باشیم که در صورتی که اصحاب دعوا راغب به شرکت در جلسه نباشند، دعوت به حضور چیزی جز اطلاع‌داری در بر ندارد و مجدداً پرونده به دستگاه قضایی ارجاع داده می‌شود.

جلسه میانجیگری

هدف از این مرحله آن است که بزه دیده و بزهکار ضمن ملاقات چهره به چهره با یکدیگر تجارب خود را راجع به جرم منتقل نموده و در خصوص آثار آن بر زندگی، روابط اجتماعی، احساسات و غیره توضیح دهند. آن‌ها می‌توانند پرسش‌های خود را از طرف مقابل مطرح کنند و پاسخ‌های وی را بشنوند. این برنامه را ممکن است یک یا دو میانجی اداره کنند. حضور حداقل دو میانجی ترجیح دارد. ضروری است میانجی یا میانجی‌گران ضمن پرهیز از انجام هر عملی که فرض بی طرفی آنها و تساوی و برابری طرفین را خدشه دار می‌کند، با استفاده از مهارت‌های کلامی و در عین حال همدردی با طرفین خود را معرفی کنند و سپس برای یادآوری بحث، توضیح مختصری از موضوع ارائه دهند زبان و ادبیات مورد استفاده میانجی باید با اوضاع و احوال طرفین شرکت‌کننده موضوع و زمینه بحث مطابقت داشته باشد (۱۴). میانجی باید تاکید کند که بزه دیده و بزهکار با یکدیگر بحث می‌کنند و سایر شرکت‌کنندگان تنها می‌توانند بطور مختص اظهاراتی داشته باشند.

میانجی‌گری و پیگیری نتایج

در این مرحله اساسی‌ترین بخش میانجی‌گری صورت می‌گیرد. یعنی بعد از مراحل ارجاع و پرونده‌گیری و ترتیب ملاقات‌های جداگانه با بزه دیده و بزهکار و دیگر افراد توسط میانجی، نوبت به مرحله اصلی میانجی‌گری، که گفتگوی طرفین در محیطی آرام و بدون تشنج می‌باشد می‌رسد و پس از آن نتایج این گفتگوی طرفه را صورتجلسه می‌کنند.

شرایط تحقق اعمال فرایند میانجیگری

فرایند میانجیگری جهت تحقق نیازمند شرایطی است که در زیر به بیان آن پرداخته شده است:

الف) شرایط قانونی

ارجاع امر به میانجیگری از وظایف و اختیارات دادستان شناخته شده است و مطابق تبصره ماده 23 21 بازپرس تنها می‌تواند از دادستان، ارجاع امر به میانجیگری را درخواست نماید و نمی‌تواند خود راساً اقدام به این امر کند. این در حالی است که مقنن در ماده 231 37 بازپرس را مکلف نموده در صورت امکان سعی در ارجاع امر به میانجیگری نماید. بین ماده 231 و تبصره ماده 21 تعارض وجود دارد. زیرا از یکسو در تبصره، به بازپرس تنها حق درخواست ارجاع به میانجیگری از دادستان داده شده و ارجاع امر به میانجیگری از وظایف دادستان شناخته شده و از سوی دیگر در ماده 231 بازپرس مکلف به ارجاع امر به میانجیگری شده است. به نظر می‌رسد ماده 231 را باید با تبصره ماده 21 تخصیص زد و چنین برداشت نمود که بازپرس در صورت امکان باید ارجاع امر به میانجیگری را از دادستان مطالبه کند تا تعارض موجود برطرف گردد. شرایط اعمال فرایند میانجیگری شرایطی نیاز است که جهت ارجاع امر کیفری به میانجی‌گری به موجب قانون آیین دادرسی کیفری و آیین نامه میانجی‌گری در امور کیفری مصوب ۲۸-۷-۱۳۹۵ شرایطی نیاز است که باید محقق گرد (۱۵).

ب) شرایط مربوط به جرم:

قانونگذار در راستای تحقق عدالت ترمیمی، درخواست مهلت و ارجاع امر به میانجی‌گری را به موجب ماده 21 تنها در جرایم تعزیری درجه شش، هفت و هشت قابل اعمال دانسته است. در بند ب ماده ۱ آیین نامه نیز جرایم تعزیری درجه شش، هفت و هشت که مجازات آنها قابل تعلیق است، قابلیت ارجاع به میانجیگری را دارند. شرطی که در خصوص این جرایم بیان شده، قابل تعلیق بودن مجازات آنهاست. طبق ماده 46 قانون مجازات اسلامی، جرایمی منظور جرایم تعزیری درجه ۳ تا ۸ مجازاتشان قابل تعلیق است که دارای شرایط زیر باشند:

۱- وجود جهات تخفیف 2 - پیش بینی اصلاح مرتکب 3 - جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیبات جبران ۴- فقدان سابقه کیفری موثر .



فقها به جواز شفاعت در جرایم تعزیری نظر داده اند و شفاعت در حدود را نپذیرفته اند. مقنن ما نیز با امان نظر از مبانی فقهی و با توجه به روش های جایگزین حل اختلافات به جهت زدودن آمار کلان پرونده های کیفری، با طرح یک سیاست جنایی تقنینی فرآیند میانجیگری را در قانون آیین دادرسی کیفری ۹۲ مورد پذیرش قرار دارد.

حفظ اصول اخلاقی یکی از مؤلفه های مهم در میانجیگری کیفری بوده و بدون رعایت اصل محرمانه بودن فرآیند میانجیگری بعید است گفتگوی معناداری بین بزه دیده و بزه کار صورت گیرد. اگر اصل محرمانگی تضمین نشود، ممکن است بزه کار و بزه دیده تمایلی به شرکت در فرآیند میانجیگری نداشته باشند و تصمیم بگیرند که در این فرآیند شرکت نکنند.

فرآیند میانجیگری شامل جرایم حدی، جرایم موجب قصاص، جرایم موجب دیه، جرایم تعزیری درجه 1 تا 5 و جرایم تعزیری درجه 6 تا 8 که مجازات آن ها قابل تعلیق نمی باشد، نمی گردد. در واقع فرآیند میانجیگری، مجموعه اقداماتی است که طی آن با مدیریت میانجیگر و با حضور بزه دیده و متهم و در صورت ضرورت، سایر اشخاص مؤثر در حصول سازش از قبیل اعضای خانواده، دوستان یا همکاران آن ها و نیز حسب مورد اعضای جامعه محلی، نهادهای ذیربط رسمی، عمومی و یا مردم نهاد، با بهره گیری از عدالت ترمیمی، برای حل و فصل اختلاف کیفری با یکدیگر به گفتگو و تبادل نظر پرداخته، در صورت حصول توافق، موافقت نامه ای را تنظیم و برای مقام قضایی مربوط ارسال می شود. بنابر این هدف از مداخله میانجی در یک موضوع، ختم دادرسی و فیصله موضوع مورد اختلاف است. اگرچه میانجیگری در مددکاری اجتماعی اکنون به عنوان یکی از رویکردهای حل مناقشه معرفی و برای آن فرآیند و تکنیکهای ویژه ای معرفی شده است، دولت باید قابلیت هایی برای شهروندان و ذینفعان فراهم آورد تا آنها بتوانند در موضوعات عمومی مشارکت فعالتری داشته باشند. تا از این طریق بتوانند بر گسترش عدالت، برابری و مشروعیت سلطه خود تاثیر بگذارند (۱۸) باید در نظر داشت که آشنایی به ویژگی های فرهنگی و استفاده از سازوکارهایی که برای حل مناقشه و میانجیگری در هر فرهنگی وجود دارد، می تواند در موارد میانجیگری بسیار تعیین کننده باشد.

ملاحظه های اخلاقی

در این پژوهش با معرفی منابع مورد استفاده، اصل اخلاقی امانت داری علمی رعایت و حق معنوی مؤلفین آثار محترم شمرده شده است.

واژه نامه

- | | |
|------------------------------|--------------------|
| 1.Criminal justice | عدالت کیفری |
| 2.Classical criminal justice | عدالت کیفری کلاسیک |
| 3.Restorative justice | عدالت ترمیمی |
| 4.Mediation process | فرآیند میانجیگری |

همچنین جرم ارتكابی نباید مشمول ماده ۴۲ ق.م.ا یعنی جرایم غیر قابل تعلیق باشد. در صورت وجود شرایط فوق مجازات قابل تعلیق خواهد بود. بنابراین بر طبق ماده ۸۲ ق.ا.د.ک ماده ۱ آیین نامه، جرایم تعزیری درجه 6 تا ۸ که مجازاتشان مشروط به شرایط فوق قابلیت تعلیق را دارد، می توان ارجاع به میانجیگری نمود، در غیر اینصورت ارجاع امر به میانجیگری امکان ندارد.

ج شرایط مربوط به طرفین امر کیفری

درخواست ارجاع امر به میانجیگری در وهله اول منوط به تقاضای متهم از مقام قضایی جهت ارجاع امر به میانجیگری است که این امر به معنای قبول درجه ای از مسئولیت توسط متهم می باشد. و در مرحله بعد قبول بزه دیده نیز یکی از شروط لازم برای ارجاع به میانجیگری می باشد. به علاوه متهم باید فاقد سابقه محکومیت کیفری موثر باشد و باید تامین مناسب بسپارد یعنی با صدور یکی از قرارهای تامین کیفری مذکور در ماده ۲۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری توسط مقام قضایی رسیدگی کننده به پرونده همراه باشد

مدت میانجیگری

در صورت موافقت مقام قضایی با درخواست ارجاع امر به میانجیگری، مدت میانجیگری سه ماه می باشد. این موضوع بیانگر این است که قانونگذار میانجیگری را فرآیندی می داند که به یکباره حاصل نمی شود و محتاج به زمان و برگزاری جلسات توسط افراد متخصص و با تجربه می باشد. البته مدت مذکور در خصوص میانجیگری در صورت اقتضا فقط برای یک بار و به میزان مذکور قابل تمدید است. یعنی حداکثر مهلت درخواستی ارجاع امر به میانجیگری ۶ ماه است و این مدت دیگر قابل تمدید نیست. به نظر می رسد عدم تمدید مجدد مهلت فوق، جهت جلوگیری از اطاله دادرسی^{۱۵} است.

نتیجه گیری

امروزه لازم حل مسائل شهری، بحرانهای شهرنشینی و اصلاح رفتار شهروندان، وجود یک فرهنگ مناسب شهروندی و شهرنشینی است، که این مقولات جزء پایه های اساسی و داوم شهری میباشند. (۱۶) از این رو به وجود آمدن اختلاف امری طبیعی و بدیهی بین شهروندان می باشد. همچنین ایجاد شرایط لازم برای تعامل سالم و دوسویه متعادل با دیگران به صورتی که افراد اجتماع نه مورد سوء استفاده قرار بگیرند و نه دیگران را مورد سوء استفاده قرار دهند از مشخصه های بارز سلامت اخلاقی به عنوان یکی از مؤلفه های سلامت است (۱۷) یکی از راه حل های جایگزین حل و فصل اختلافات و کاستن از حجم پرونده های کیفری و جلوگیری از اطاله دادرسی، ارجاع امر به میانجیگری است. مشروعیت این امر در حقوق اسلامی و در آیات و روایات بسیاری مورد تایید قرار گرفته است و اکثریت

8. Mansouri A, Tasharoe S, Javidee S, Kargar M, Taghizadeh-ghehi M, Hadjibabaie M, Gholami K. (2014). Streptokinase adverse reactions: a review of Iranian literature. *Journal of Pharmaceutical Care*; 120-129. (In Persian).
9. French SA, Gendreau P. (2006). Reducing prison misconducts: What works! *Criminal Justice and Behavior*; 33(2):185-218.
10. Ghazi A, Trikha A, Calhoun WJ. (2012). Benralizumab—a humanized mAb to IL-5R α with enhanced antibody-dependent cell-mediated cytotoxicity—a novel approach for the treatment of asthma. *Expert Opinion on Biological Therapy*; 12(1): 113-118 .
11. Morek R. (2013). Nihil silentio utilius: confidentiality in mediation and its legal safeguards in the EU Member States. *ERA Forum Springer Berlin Heidelberg*; 14(3): 421-435.
12. Alexander NM. (2009). International and comparative mediation: legal perspectives. *Kluwer Law International BV*; (4).
13. Asadi S, Zari AT. (2015). restorative approaches of criminal procedure law approved in 2013. *International Journal of Academic Research*; 7. (In Persian).
14. Ross DL. (2014). *Civil liability in criminal justice*. UK: Routledge Publication.
15. Stamato L, Jaffe S. (1991). Mediation and public policy: variations on a consensus theme. *Mediation Quarterly*; 9(2): 165-178.
16. Nikvarz T, Afrasebi F. (2018). Explaining the effective factors on citizenship ethics. *Ethics in Science and Technology*; 13 (3): 40-47. (In Persian).
17. Aghighi A. (2017). Relationship between some ethical variables on organizational health. *Ethics in Science and Technology*; 11 (3):97-107. (In Persian).
18. Ahangar N, Rasoli R, Darvesh H, Asadi M. (2018). Ethical necessity of explaining the model of democratic citizenship in Iranian public organizations. *Ethics in Science and Technology*; 13 (3): 138-145. (In Persian).
5. Victim
6. Delinquent
7. Judicial mediation
8. Agreeing
9. Criminal mediation
10. Civil Society
11. Damage
12. Deportation
13. Ethics
14. Dispute Resolution
15. Information procedure

References

1. Heydari N, Rashidi A. (2016). Investigating civil responsibilities of city halls regarding directives of citys islamic council. *International Journal of Humanities and Cultural Studies (IJHCS)*; 2(4): 1441-1451. (In Persian).
2. Dehkhoda AA. (2009). *Dehkhoda dictionary*. Tehran: Tehran University Press. (In Persian).
3. Sharafjahan R, Ghabaian A, Majd M, Mozaffari M, Moussavi-Aghdam C, Moussavi-Aghdam K. (2018). A conversation with Iranian gallerists. *Art Journal*; 77(4): 6-25. (In Persian).
4. Heidari MA, Porshabanan M. (2015). Study of restorative justice and distributive justice from the perspective of Islamic law and jurisprudence. *New York Science Journal*; 8(6): 80-85 .
5. Khosravi S, Hossaini D. (2016). Lenient policies at the pre-trial stage in Iran’s criminal justice system. *International Journal of Humanities and Cultural Studies (IJHCS)*; 168-178. (In Persian).
6. Gavrielides T. (2008). Restorative justice—the perplexing concept: Conceptual fault-lines and power battles within the restorative justice movement. *Criminology & Criminal Justice*, 8(2): 165-183 .
7. Tavasoli Jahromi M. (2001). A look at alternative dispute resolution (ADR) procedures in the new international chamber of commerce. *Law Journal*; 16 (1): 365-382. (In Persian).